



تفاوت سنت و مدرنیته لزوماً به معنای شکاف نیست/ محصور ماندن در گذشته باعث شکاف نسلی می شود

یک محقق و مدرس دانشگاه با بیان اینکه برخی ممکن است انتقاد کنند که سنتها با مفهوم سنت و سنتگرایی متفاوت است و سنت رویکردی فلسفی به جهان، انسان...

یک محقق در گفتگو با مهر:

تفاوت سنت و مدرنیته لزوماً به معنای شکاف نیست/ محصور ماندن در گذشته باعث شکاف نسلی می شود

یک محقق و مدرس دانشگاه با بیان اینکه برخی ممکن است انتقاد کنند که سنتها با مفهوم سنت و سنتگرایی متفاوت است و سنت رویکردی فلسفی به جهان، انسان، خدا و روابط میان آنهاست و سنن ناشی از قراردادهای و اعتباریات است که البته بعضاً برگرفته از تفاسیر خاص از روابط مذکور است، گفت: باید گفت که مدرنیته نیز از تفکری خاص و رویکردی فلسفی و البته مظاهری متفاوت، برخوردار است و این تفاوت رویکرد و دیدگاه لزوماً به معنای اختلاف و شکاف نیست. دکتر حمیدرضا خادمی، مدرس دانشگاه و محقق فلسفه تطبیقی در گفتگو با خبرنگار مهر در پاسخ به این سؤال که فراموشی سنتها باعث انقطاع فرهنگی و شکاف نسلی فرهنگی می شود. یکی از عواملی که باعث فراموشی سنتها می شود، غرق شدن در مدرنیته و هویت مدرن است. آیا می توان بخشی از هویت مدرن را گرفت و دچار فراموشی سنتها نشد؟ گفت: پیرامون این سؤال باید گفت ابتدا می بایست با تأمل در معنای سنت و مدرنیته به این پرسش پاسخ داد که آیا لزوماً تجربه زندگی مدرن سبب فراموشی سنتها می گردد؟ و یا اینکه زندگی جریانی است در طول زمان که سنت و مدرنیته بر آن عارض گشته و براساس مقتضیات زمانی و مکانی، آنرا بازتعریف و لوازم متفاوتی برای آن ترسیم می نمایند؟ باید گفت مسأله این است که بسیاری از سنتها وابسته به مقتضیات زمان و مکان اند و البته قابل تغییر.

وی افزود: فرض کنید ازدواج سنتی و آداب و رسوم در گذشته به گونه ای متفاوت از آنچه امروزه در جریان است، صورت می گرفته است حال پرسش این است که بنابر چه دلایلی حفظ آن آداب و رسوم و روش سنتی ازدواج در جامعه امروزی، ضرورت دارد؟ و مگر رها کردن آن آداب و رسوم به معنای غرق شدن در مدرنیته است؟ مدرنیته تفسیر دیگری از آن سنت ارائه می دهد که با نیازها و شرایط زیستی بشر معاصر سازگارتر است.

این محقق و نویسنده کشورمان در ادامه سخنانش اظهار داشت: این تناسب که البته از محاسن مدرنیته به حساب می آید نباید به شکاف فرهنگی میان نسل ها تعبیر شود. چرا شکاف؟ مگر قرار است همه چیز ثابت بماند و زندگی تکرار سنتهای گذشتگان باشد؟ زندگی در جریان است و با گوناگونی شرایط قابلیت تفسیر و تعبیر می یابد. اگر نسلی که در حال حاضر زندگی می کند همواره خود را محصور در گذشته و یا محدود به سنتها ببیند، آنگاه شکاف نسلی رخ می نماید و این امر خلاف واقع است. چارچوبها و آداب و رسوم قابل تغییر، افزایش، کاهش و در مواردی حذف و یا ترمیم می باشند و اینگونه نیست که ثابتات ازلی باشند و همواره صادق.

وی با اشاره به اینکه شکاف نسلی آنگاه معنا می یابد که تفکر را محدود به چارچوبها کرد، بیان کرد: در حالی که این با ذات تفکر و قدرت انسان بر تغییر منافات دارد. البته میان سنتها می توان تفکیک قائل شد. به عنوان مثال سنتهای دینی از قوت و نفوذ بیشتری در جامعه برخوردارند و یکی از اجزاء اصلی سازنده فرهنگ و هویت جامعه انسانی اند و بعضاً تغییرات در این حوزه بسیار کند و اندک است.

خادمی با تأکید بر اینکه فراگیری آموزه های دینی غیرقابل تردید است اما به روزرسانی برخی گزاره های دینی نیز امری اجتناب ناپذیر است، تصریح کرد: مگر نه این است که قرآن معجزه تمام دورانها و دین پیامبر خاتم(ص) آخرین دین و کاملترین آنهاست؟ پذیرش این نکته خود گویای قابلیت سازگاری و تناسب گزاره های دینی با مقتضیات زمانی و مکانی و فهم انسانی در زمانهای آینده است. اگر قرار بود بشر امروزی نیز به همان میزان و به همان شیوه که گذشتگان از متون دینی بهره می بردند، بهره ببرد این همه خطابه های قرآنی که ناظر به تعقل و تفکر و تفقه در امور مختلف از جمله مسائل دینی است، بی معنا می گشت!

وی با بیان اینکه چه کسی می تواند کاروان بشریت را به سمت پیشرفت و رسیدن به فضاهای بیکران و افقهای تازه، متوقف سازد؟ اذعان کرد: اساساً آیا چنین امری امکان پذیر است؟ و بر فرض محال آیا چنین کاری به صورت محدود و موضعی، مفید و سازنده است؟ باید دانست که زندگی و فرهنگ اموری در جریان و گشوده به افقهای آینده اند که اگرچه از سنتها بهره می برند اما در سنتها نمی مانند. سنتها در جوامع مختلف با توجه به منابع گوناگون، متغیر و حتی در یک جامعه با تکرارهای قابل توجهی

مواجه اند و این خود حاکی از ذات تغییر پذیر و تکامل پذیر سنن و آداب و رسوم است.

این کارشناس فلسفه تطبیقی تصریح کرد: برخی ممکن است انتقاد کنند که سنتها با مفهوم سنت و سنتگرایی متفاوت است و سنت رویکردی فلسفی به جهان، انسان، خدا و روابط میان آنهاست و سنن ناشی از قراردادهای و اعتباریات است که البته بعضا برگرفته از تفاسیر خاص از روابط مذکور است. اما باید گفت که مدرنیته نیز از تفکری خاص و رویکردی فلسفی و البته مظاهری متفاوت، برخوردار است و این تفاوت رویکرد و دیدگاه لزوماً به معنای اختلاف و شکاف نیست. شناخت خداوند و ارتباط او با انسان و هستی نیز محدود به رویکرد سنتی نیست و خداوند نیز همواره در تجلی است و در تجلی تکرار نیست، لذا بشر امروز و به تعبیر دیگر بشری که در مدرنیته تنفس می کند نیز به خدا می اندیشد و ارتباط او با انسان و هستی را تفسیر می کند، حتی به تعبیری قرائتهای الحادی نیز ناشی از نوعی شناخت و البته تفاوت در تعبیر و تفسیر است.

وی در رویکرد جامعه شناسانه به این سؤال گفت: «مانهایم» توضیح می دهد، کارکرد نسل نوظهور تاریخی، نوآوری ارزشی و فرهنگی و تولید سبک زندگی نو است. اما به روایت «بورديو»، شکاف نسلی بیشتر حاصل تضاد منافع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و نابرابری در توزیع امکانات از سوی نسل در صحنه که قدرت را در دست دارد به پدیده شکاف نسلی می انجامد.

وی افزود: به نظر می رسد دیدگاه بورديو تا حدودی درست است و در جامعه ایران نیز مشهود است. می بایست با توزیع عادلانه منابع قدرت و ثروت در میان نسل ها، به فاصله زدایی نسل ها در عرصه های اجتماعی و اقتصادی بپردازیم. گسترش رسانه های جمعی، جهانی شدن و ارتباطات سریع و سایر مولفه های دوران معاصر همگی مفهوم دوره ای از زندگی را به تصویر می کشند که با دوره دیگر – یعنی دوره پیش از مدرنیته – تفاوتهای آشکاری دارد. اقتصاد، سیاست و فرهنگ تغییرات بنیادین یافته اند و راهکارهای بهره وری اقتصادی، توسعه سیاسی و نهادهای فرهنگی روز به روز در حال تغییر و ایجاد فضایی خاص در مناسبات داخلی و بین المللی جوامع است.

خادمی با تأکید بر اینکه به تعبیر دیگر آنچه سبب اختلاف و شکاف نسلها می گردد، سنتز ارزشها در دورانهایی مختلف است و رفع این شکاف از طریق هماهنگ سازی نسلهای پیشین با تغییرات گوناگونی است که در عرصه های مختلف در عصر حاضر به وقوع پیوسته است، گفت: این کار می بایست توسط نظامهای سیاسی و دولتها از طریق رسانه ها و نظامهای آموزشی صورت پذیرد. می بایست این تغییرات در روند زندگی و مناسبات آن از طریق رسانه ها و مراکز آموزشی تبیین و تشریح گردد تا هماهنگی بیشتری در میان نسلها برقرار گردد.